

بازشناسی سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی

محمود تیموری

mteimoury@gmail.com

پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه پاریس ۱، فرانسه.

علی‌اکبر سرفراز

sarfaraaz.aa@gmail.com

دکتری باستان‌شناسی، مرکز پژوهشی نظر، ایران.

چکیده

بعد از دارابگرد و اردشیرخوره (گور یا فیروزآباد)، شهر باستانی بیشاپور از اولین شهرها و پایتخت‌های ساسانی است که توسط شاپور ساخته شد. این شهر از جمله معدود شهرهای ایران باستان است که برخی عناصر اصلی آن نسبتاً باقی‌مانده و می‌تواند معرف شهر ایرانی در دوره خود باشد. در کشور ما علی‌رغم تعدد مطالعات باستان‌شناسی، باستان‌شناسی شهری که در واقع به بررسی فرآیند شهری و چگونگی شکل‌گیری شهرها و توسعه آنها به عنوان یک محیط انسان‌ساخت می‌نگرد و کارکرد بخش‌های مختلف آن را مورد پژوهش قرار می‌دهد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. معدود مطالعات موجود درباره سازمان فضایی شهرهای باستانی ایران که توسط معماران یا شهرسازان انجام گرفته بیشتر براساس مبانی غیر مستند انجام شده است و با یافته‌های باستان‌شناسی انطباق ندارد. هدف این مقاله معرفی و تحلیل فرآیند شکل‌گیری شهر ساسانی بیشاپور به صورت مستند و براساس یافته‌های ملموس کاوش‌های باستان‌شناسی است که عمدتاً طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ انجام شده است. برای دستیابی به این تحلیل از نظریه "سازمان فضایی شهر" بهره گرفته شده که در آن شهر به عنوان یک "کل هدفمند" با شاخص‌های چهارگانه "قلمرو، ساختار، کل‌های کوچک و مرکز" بازشناسی می‌شود. بر این اساس بعد از تحلیل و معرفی شاخص‌های چهارگانه، سازمان فضایی بیشاپور با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی - فرهنگی دوره ساسانی و مقایسه مختصر با ویژگی‌های عمومی سازمان فضایی شهر ایرانی - اسلامی، مورد تفسیر قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

بیشاپور، شهر باستانی، شهر ایرانی، شهر ساسانی، سازمان فضایی شهر، شاپور، ساختار تاریخی.

تاریخچه بیشاپور

شهر تاریخی بیشاپور یکی از شهرهای باستانی ایران واقع در شهرستان کازرون و استان فارس است. اگرچه نشانه‌هایی از سکونت مربوط به دوره‌های ایلامی و هخامنشی در آن یافت شده ولی در زمان ساسانیان به عنوان شهر ساخته و نامیده شده است. این شهر در ۱۵ کیلومتری شمال غرب کازرون و مختصات جغرافیایی $N: 29^{\circ}46'$, $E: 51^{\circ}34'$ قرار گرفته است. شهر بیشاپور در دوره ساسانیان مرکز ایالت و کوره اردشیرخوره بوده و تا قرن هفتم هجری آباد و مسکونی باقی مانده و پس از آن ویران شده است. این شهر گنجینه‌ای از آثار ارزشمند معماری ساسانی مانند معبد آناهیتا را در خود جای داده است. بیشاپور به عنوان اولین شهر ایرانی روزگار باستان دارای تاریخ شهرسازی مکتوب است.

این تاریخ به سنگ نبشته‌ای بر می‌گردد که با دو خط اشکانی و ساسانی بر روی یکی از دو ساقه ستون بیشاپور، که در مرکز شهر واقع شده، نقر شده است. در این کتیبه، تاریخ ساخت شهر فروردین ماه سال ۵۸ از آتش اردشیر و سال ۴۰ از آتش شاپور ذکر شده که مصادف سال ۲۶۶ میلادی است (درست ۶ سال پس از پیروزی شاپور بر والرین در سال ۲۶۰ میلادی). لازم به ذکر است این تاریخ به پایان ساخت شهر بیشاپور مربوط است. در این رابطه «عباس زریاب خویی» می‌نویسد: در "شهر بیشاپور واقع در فارس کتیبه‌ای از شخصی به نام اپسای دبیر بدست آمده است که در زمان شاپور اول و در کنار مجسمه او نگاشته شده است و متضمن تاریخ کتیبه نیز هست" (سرافراز، ۱۳۸۱: ۲۶۲). اگرچه نام خود شهر مجهول و نامعلوم است و در کتیبه ذکر نشده است. تاریخ ساخت شهر با سال ۲۶۶ م تطبیق داده شده ولی مجهول و نامعلوم نام خود شهر است که در کتیبه ذکر نشده است. اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانیان پس از کسب قدرت پایتخت را از شهر مذهبی پدران خود استخر، به تیسفون منتقل کرد و در کنار آن شهر جدیدی به نام «وه اردشیر» ساخت. شاپور (۲۷۲-۲۴۱) پسر اردشیر نیز اقدام به ساخت شهر دیگری کرد که به تأسی از پدر خود به آن نام بیشاپور نهاد. بنابر این وجه تسمیه بیشاپور در ردیف نام شهرهایی است که پادشاهان ساسانی سازنده آنها بوده‌اند و نام خود را بر آن می‌گذاشتند مانند به‌اردشیر، به‌قباد، و به‌شاپور. کلمه «به» یا «وه» به معنای نیک در بسیاری از نام‌های پهلوی دوره ساسانی دیده می‌شود. مثل «وه‌دین» یا به‌دین که همان دین الهی و روشنی است. وه را به معنی خانه و محل زندگی نیز تفسیر کرده‌اند که اگر چنین باشد بیشاپور را باید سرای شاپور معنی کرد. اما برخی نام بیشاپور را به معنی «از جمله کارهای خوب شاپور» نوشته‌اند (همان: ۲۴۸). در کتاب «مسالك الممالک» اصطخری راجع به نام بیشاپور با مختصر اختلافی چنین آمده است: "شهر بیشاپور در زمان تهمورث بنا

شده است، پیش از جمشید و آن را «دین دولا» گفتندی پس اسکندر آنجا را خراب کرد تا اینکه در زمان شاپورین اردشیر از نو آنجا را عمارت کرد و بیشاپور نام نهاد و اکنون آن را بشاپور و بساپور گویند" (سرافراز، ۱۳۶۶: ۳۷).

«ابن بلخی» در فارسنامه می‌نویسد: نام اصلی آن بیشاپور است و تخفیف را بی از آن بیفکنده‌اند و شاپور نویسند. بنابراین نام اصلی بیشاپور تا اواخر قرن پنج و ششم هجری رایج بوده است. اما به نظر می‌رسد نام این شهر در زمان شاپور «به» از اندیو شاپور یعنی «بهتر از انطاکیه، شهر شاپور» بوده است زیرا نام بیشاپور در فهرست نام شهرهای زمان شاپور در کتیبه کعبه زرتشت نام بیشاپور دیده نمی‌شود، در حالی که نام ساتراپ «وهی انتیوک شاپور» ذکر شده است. بعضی از نویسندگان تصور کرده‌اند که «به» از اندیوشاپور نام گندی شاپور زمان ساسانی است که در زمان شاپور جایگاه اسرای رومی و قرارگاهی نه چندان مهم بوده است. اما بعید به نظر می‌رسد، در این کتیبه مهم محل استقرار اسرای رومی ذکر شود، اما از شهر سلطنتی و مقر حکومتی شاپور اسمی برده نشود؛ آن هم شهری که در زیبایی سرآمد شهرهای روزگار خود بوده است. ذکر این روایت تاریخی شاید تا حدی ما را در شناخت وجه تسمیه بیشاپور یاری کند؛ در سالی که انطاکیه، شهر زیبای روم شرقی به تصرف لشکریان ایران درآمد، زیبایی چشم‌گیر این شهر چنان مورد توجه شاپور قرار گرفت که دستور داد مقر سلطنتی او را بهتر از انطاکیه بسازند، تا به از انطاکیه باشد.

صفت تفضیلی وه یا به معنی بهتر برای مقایسه بین دو شهر انطاکی؛ شهر زیبای روم شرقی که از لحاظ وسعت و تمول و جمعیت برترین شهر روم شرقی بوده و در سال ۲۵۱ م توسط شاپور تصرف شد، و شهر شاپور با ایوان‌های رفیع و مزین بوده است (سرافراز، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

نکته ضروری و قابل ملاحظه در شناخت شهر ساسانی توجه به تفاوت مفهوم شهر در دوره ایران باستان با مفهوم شهر در دوران اسلامی است. مفهوم شهر در آن دوران مجموعه‌ای از فعالیت‌های متنوع جمعی همراه با ساکنان بسیار و خانه‌های مسکونی فراوان و محصور شده در برج و بارویی مستحکم نیست که تبلور مکانی فرهنگ و اندیشه جمعی انسان‌ها باشد.

شهر در فرهنگ آرمان‌گرای ایران باستان، همواره یک پدیده قدسی تلقی می‌شده که احتمالاً کسی قدرت برپاکردن آن را نداشته است. به جرأت می‌توان گفت تنها پادشاه بوده که به عنوان صاحب فر یا فره کیانی اجازه و توانایی ساخت شهر را داشته است (براتی، ۱۳۸۲). بر این اساس شهر متعلق به خداوند و نماینده او بر روی زمین بوده و تعلق به ساکنان آن متعلق نداشته است. با این اوصاف مفهوم شهر باستانی ایران به مجموعه نسبتاً وسیع کالبدی می‌ماند که به دستور شاه و برای سکونت خاندان‌شاهی و طبقات وابسته و برگزیده او همچون دبیران و سپاهیان ارشد

دامنه و بلندی‌های کوه شاپور که نشان از تقدس این کوه دارد. چهار صحنه از نقش برجسته‌های ارزشمند دوره ساسانی در دهانه غربی تنگ چوگان بر سینه کوه شاپور و کناره شمالی رودخانه شاپور و دو نقش برجسته در کناره جنوبی رودخانه از صحنه‌های پیروزی شاپور برجامانده است که نشانگر تأکید مضاعف بر تقدس این پدیده طبیعی دوره ساسانی است. در کنار علی چون تأمین امنیت و نزدیکی به جاده شاهی، قرارگیری بیشاپور در بلندی مسلط بر دشت را می‌توان نوعی الگوبرداری از نحوه ساخت شهرهای هخامنشی چون شوش و تخت جمشید دانست که بر بلندای دامنه کوه، به عنوان مکان مقدس و برتر بنا شده بودند. رودخانه شاپور نیز با توجه به تقدس آب در نزد ساسانیان نقش مهمی در استقرار شهر داشته است. این رودخانه از درون تنگ چوگان در شرق بیشاپور به سمت غربی شهر جریان دارد و دره عمیق بستر آن به موازات محدوده اراضی شمالی شهر است. چنین به نظر می‌رسد که همواره محور راه و محل عبور از رودخانه به ویژه در فصل بارندگی دور از تنگ چوگان و دور از مجرای خروجی رودخانه از کوهستان بوده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون اطلاعات زیادی در مورد بیشاپور منتشر نشده است. علی‌رغم وسعت شهر کار شناخت و حفاری آن تکمیل نیست در عین حال "تحلیل و شناخت سازمان فضایی شهرهای تاریخی ایران از جمله شهرهای ساسانی هنوز در مراحل ابتدایی است" (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹). شاید دلیل عمده آن قلت و قدمت آثار شهری باقیمانده از این دوره‌ها و دگرگونی‌های بسیار آنها در دوره‌های بعد باشد. با این حال به نظر می‌رسد حتی تعداد معدود آثار باقیمانده آنچنان که باید و شاید مطالعه نشده است و استناد مطالعات موجود بیشتر به متون تاریخی و تحلیل‌های شخصی است و نه شواهد عینی باستانی. به طور خلاصه مطالعات موجود در زمینه ساخت شهرهای باستانی ایران به ویژه شهرهای ساسانی شامل دو نظریه است: نظریه غالب توسط «سید محسن حبیبی» در کتاب «از شار تا شهر» که بعد از تحلیل مختصر وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی ایران ساسانی ساخت کالبدی شهر ساسانی را ترسیم کرده است. قبل از حبیبی، «ربوبی» نیز در کتاب «شناخت شهر و مسکن بومی ایران» در سال ۱۳۵۳، دیاگرامی مشابه را ارائه کرده بود. طبق این نظریه شهر ساسانی مرکب از بخش‌های شناخته شده زیر است:

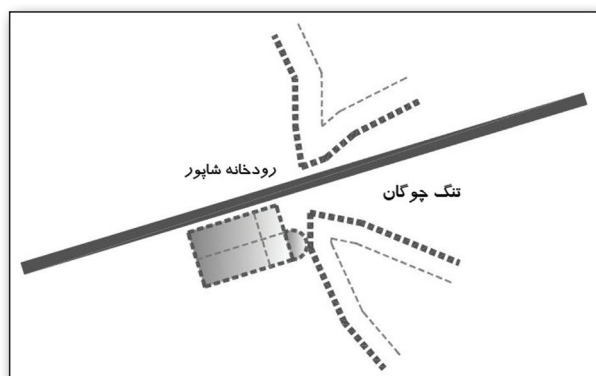
- ۱- دژ حکومتی (کهندژ) شامل کاخ‌ها، آتشگاه یا معبد اصلی، ایوان‌ها، سربازخانه‌ها، خزاین و انبار آذوقه. این دژ در بالاترین نقطه شهر و مهم‌ترین نقطه سوق الجیشی ساخته شده بود و با دیوارهای سنگین محافظت می‌شد.
- ۲- شار میانی شامل محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز و

ساخته می‌شده است. در حقیقت شهر، نوعی نمایش، و نماد قدرت و فره ایزدی شاهنشاه و سلاطین و علایق او بوده است نه مکانی برای تعامل اقشار مختلف مردم و تبلور فرهنگ جمعی انسان.

موقعیت استقرار

انتخاب محل و موقعیت استقرار بیشاپور از لحاظ بهره‌گیری از عوارض طبیعی و جغرافیایی برای برقراری امنیت شهر و تمتع آن از زیبایی‌های طبیعی، انتخابی هوشمندانه و حساب شده بوده است. این شهر در کنار جاده شاهی روزگار باستان، که یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی کشور بوده، احداث شده است؛ راهی که در زمان هخامنشیان به تخت جمشید و استخر را به شوش و در عصر ساسانی، شهر فیروزآباد (گور) و بیشاپور را به تیسفون متصل می‌کرده است.

افزون بر این از بیشاپور راهی به کرانه‌های خلیج فارس امتداد می‌یافت که علاوه بر کاربرد نظامی یکی از طرق تجارتهای بوده که سوداگران بسیاری از طریق آن کالاهای خود را به اقوام دیگر عرضه می‌داشتند. به همین جهت این جاده و تلاقی چهار راه آن به کرانه‌های خلیج فارس، خوزستان و پارس ادامه داشت (سرافراز، ۱۳۶۶ : ۴۰). استقرار بیشاپور بر دهانه تنگ بیشاپور مشرف به دشت زیبا و سرسبز بیشاپور (یا دشت کازرون) و در دامنه ارتفاعات کوهمره به گونه‌ای است که کوه و رودخانه، در دو جهت آن، حصار و مانع طبیعی در برابر حمله به شهر ایجاد کرده است. برخلاف شهر اردشیرخوره (فیروزآباد) که میان دشت فراخ واقع شده و قلعه‌دختر با فاصله‌ای نسبتاً طولانی از آن حمایت می‌کرده است، بیشاپور کاملاً در دامنه کوه و ابتدای دشت با فاصله حداقل نسبت به دو عامل دفاعی قلعه دختر و



نمودار ۱. موقعیت استقرار شهر بیشاپور در دهانه تنگ چوگان و دامنه کوه شاپور. مأخذ: نگارندگان.

قلعه اردشیر در کوه‌های دو طرف دهانه تنگ چوگان قرار گرفته است (نمودار ۱). کوه شاپور در شرق شهر شاپور را می‌توان مهم‌ترین عامل مکانیابی شهر دانست. علاوه بر وجود آثار بر

حفاری‌های انجام شده توسط علی‌اکبر سرفراز در اواخر دهه ۴۰ شمسی و شواهدی روشن از قبیل ستون‌های یادمان در مرکز بافت شطرنجی بیشاپور و حصارهای سنگی آن، جایی برای تردید در شهر بودن مجموعه بیشاپور در زمان ساسانی باقی نگذاشته است.

عناصر سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور

مفهوم سازمان فضایی در این مقاله براساس "نظم میان نقش عناصری که شهر را به عنوان یک سیستم معرفی می‌کند" (منصوری، ۱۳۸۶) در نظر گرفته شده است. در این راستا، برای تشخیص نظم حاکم بر اجزای شهر یا سازمان فضایی آن، عناصری به عنوان شاخص‌های سازمان فضایی شناسایی شده و ارتباط آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظم ادراک شده میان اجزای مذکور که امری مجرد و ذهنی است، معرف سازمان فضایی شهر خواهد بود.

• معرفی نظریه سازمان فضایی شهر

"سازمان فضایی شهر" ما به ازای شهری "نظریه عمومی سیستم‌ها" است و با شناسه‌های نسبتاً مشابه آن، به شناخت شهر به عنوان یک «کل» معنادار کمک می‌کند. برخلاف تصور رایج، شناخت همه‌جانبه یک شهر از طریق شناخت تمام موضوعات تشکیل‌دهنده یا شناخت عناصر ساختاری (استخوان‌بندی یا ساخت اصلی) آن امکان‌پذیر نیست، بلکه شهر و مسایل آن به عنوان یک کل، چیزی فراتر از اجزای آن است و شخصیتی و رای اجزای خود دارد. براساس نظریه سیستم‌ها، کوتاه‌ترین راه شناخت یک سیستم پیچیده، شناخت ساختارها و نظام حاکم بر آن سیستم است و کنترل آن تنها از طریق شناسایی ساختار و نظام سیستم، امکان‌پذیر است.

هر سیستم مجموعه‌ای متشکل از زیرسیستم‌ها است که شناخت و کنترل آنها راه شناخت و کنترل سیستم‌های پیچیده، محسوب می‌شود. سازمان فضایی شهر، که بر تصور ذهنی از شهر استوار بوده و با واقعیت ذهنی آن رابطه تنگاتنگی دارد، امکان اتفاق آرا در خصوص کلیت شهری را محقق می‌سازد و به اطلاعات جزئی و پراکنده، وحدت رویه می‌بخشد. شناسه‌های سازمان فضایی یک شهر به گونه‌ای است که امکان تسلسل و بسط مفهوم یاد شده را در مقیاس‌های مختلف محقق می‌سازد، لذا به تبیین کلیت شهری کمک شایانی می‌کند. مبانی تفکر سیستمی درباره شهر عبارت است از: الف- مفهوم کلیت، ب- مفهوم ارتباط بین اجزای سیستم ج- ساخت یا نظام سیستم (منصوری و دیگران، ۱۳۸۲).

براساس این مفاهیم قلمرو، ساختار، هسته یا مرکزیت و کل‌های کوچک، چهار عنصر شاخص سازمان فضایی شهر شمرده می‌شود که تشخیص آنها فراتر از ویژگی‌های شکلی است. به‌منظور معرفی سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور شاخص‌های چهارگانه فوق به ترتیب بررسی می‌شود.

خانه‌های شبیه به هم (شارستان).

۳- شار بیرونی شامل آتشکده‌ها و بازار اصلی بود که در دوران بعد از اسلام به «ربض» مشهور شد.

۴- بازار به عنوان ستون فقرات شهر از دل شارستان (شار میانی) شروع می‌شد و دامنه خود را به شار بیرونی (ربض) می‌گستراند و در مسیر خود محلات را شکل می‌داد.

۵- میدان به عنوان گستره‌ای وسیع در جلوی دروازه‌های شارستان در ربض ساخته می‌شد و مکانی بود که بازارها بدان باز می‌شدند و تظاهرات اجتماعی - اقتصادی در هم می‌آمیخت.

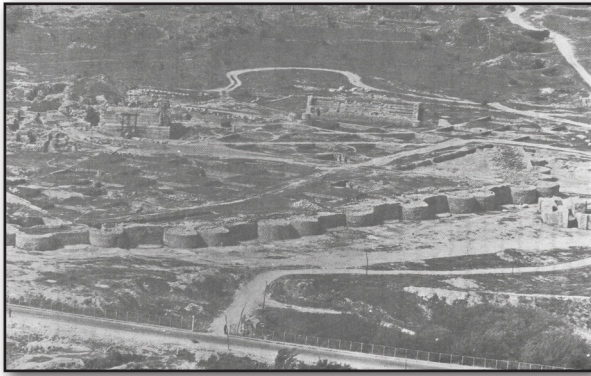
نظر حبیبی علی‌رغم شهرت و رواج نسبی آن در محیط دانشگاهی، دارای اشکالات اساسی است: اول اینکه نمودار ارائه شده هیچ‌گونه استنادی به یافته‌های باستان‌شناسی یا مدارک تاریخی ندارد. به‌طوری که حتی یک نمونه یا مصداق از شهرهایی که چنین سازمان فضایی داشته باشند، معرفی نشده است.

دوم اینکه در طول دوره ساسانی تغییرات نسبتاً زیادی در ساخت شهر صورت گرفته و شهر ایرانی در این دوره از شکل مدور با هسته‌ای قوی در مرکز جغرافیایی (همانند شهر اردشیرخوره و دارابگرد) به شکل شطرنجی و مستطیل با هسته‌ای در حاشیه شهر مثل بیشاپور و شهرهای پس از آن تغییر یافته و مشخص نیست این نمودار براساس کدام مرحله از شهرسازی دوره ساسانی ترسیم شده است.

نظرات باستان‌شناسان برخلاف این ایده است: "به نظر می‌رسد ارتباط مکانی بین مقر حکمرانی شاه و شهر از ابتدا خیلی محکم نبوده است و به نسبت متداول آن زمان، کاخ‌ها نه در مرکز شهر بلکه در کنار یا خارج شهر قرار داشته‌اند. این قاعده برای بناهای مذهبی نیز رعایت گردیده است. در روند تاریخی ساسانی فاصله مقر شاه و شهر نشینان به تدریج از هم بیشتر شده است" (هوف، ۱۳۶۹). سوم اینکه وجود آتشکده، بازار و میدان - به عنوان محل تظاهرات اجتماعی - اقتصادی - در میان شارستان و ربض، اساساً با مفهوم شهر در ایران باستان و دوره ساسانی در تضاد است.

فرضیه دیگر درباره شهر ساسانی، برخلاف نظریه حبیبی، مفهوم شهر باستانی ایران به عنوان یک پدیده کالبدی و مسکونی را نفی کرده و شهرهای تاریخی مکشوف را در حد مجموعه بناهایی با عملکرد کاخ یا معبد تقلیل می‌دهد.

این نظریه توسط «جهان‌شاه پاکزاد» در مقاله «تأملی بر مفهوم شهر در ایران» مطرح شده است. او در مورد شهر ساسانی بیشاپور می‌نویسد: "در بیشاپور تنها بناهای دولتی در بخش شمالی شهر از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند. این بناها را کاخ با معبد مجاور آن معرفی کرده‌اند. بخش‌های مربوط به زندگی ساسانی هنوز حفاری نشده‌اند (هوف، ۱۳۶۹: ۴۵) بنابراین شبکه شطرنجی مربوط به دوران اسلامی است" (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۹۸). پاکزاد بر این اساس بیشاپور را مجموعه چند بنا و حصار با عملکرد کاخ و معبد می‌داند و در ساسانی بودن بقیه بافت شهر تردید دارد. ولی مطالعات باستان‌شناسی متأخرتر از کتاب‌های «هوف» و «گوبه»، از جمله



تصویر ۱. حصار سنگی ارگ حکومتی و برج‌های آن. مأخذ: سرافراز، ۱۳۶۶: ۲۴.

• زیر سیستم‌ها: ارگ حکومتی و نواحی مسکونی

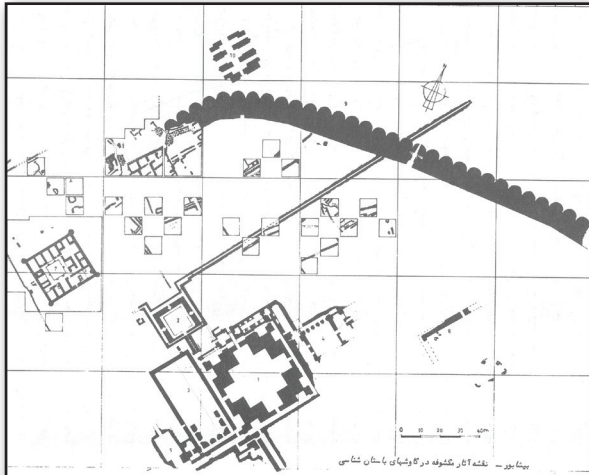
کل‌های کوچک در سازمان فضایی شهر واحدهای مستقلی است که بر حسب مأموریت و نقش خود به صورت‌های مختلف از یکدیگر و بافت شهر متمایز می‌شود. کل کوچک (Sub system)، جزء مستقلی از سیستم بزرگ شهر و به عنوان عنصر واحد در درون خود از مختصاتی برخوردار است که می‌تواند به عنوان سیستمی نیمه مستقل عمل کند. ماهیت سیستم شهر به گونه‌ای است که اجزای نیمه مستقل آن در مقیاس عملکردهای اختصاصی به عنوان سیستم‌های کوچک‌تر به حساب می‌آیند. مجموعه‌های عملکردی شهر مانند مجموعه گنجعلیخان کرمان یا دولت‌خانه قزوین مرکب از عناصری با کارکردهای مختلف و وابسته به یکدیگر نمونه مشهوری از کل کوچک درون سیستم شهر است (منصوری، ۱۳۸۲).

با توجه به بقایای کالبدی، دو کل نیمه مستقل در بیشاپور قابل تشخیص است: یکی مجموعه ارگ حکومتی که در شمال شرقی شهر و در بلندی دامنه کوه شاپور قرار گرفته و به وسیله حصاری از قسمت اصلی شهر تفکیک شده است، و دیگری نواحی سکونتی شهر که به فرم مستطیل در غرب ارگ حکومتی و در امتداد شیب بستر شهر واقع شده است. عملیات خاک‌برداری و کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه شمالی نشانگر آن است که این بخش از شهر در زمان ساسانی فضایی باز و خلوت با جدول‌بندی و خیابان‌کشی‌های مفروش سنگی و باغچه‌بندی در حوزه امکانات رفاهی کاخ‌نشینان بوده و مؤید آن است که تراکم شهر بیشاپور یکسان نبوده و بخش عظیمی از تأسیسات و میدان حکومتی، منازل مسکونی، قوای نظامی و کارگاه‌ها در جبهه جنوبی واقع شده‌اند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که هسته مرکزی و کانون اصلی شهر و مقر درباریان یا ارگ و کهنه‌دژ منحصراً در جبهه شمالی شهر قرار داشته است (سرافراز، ۱۳۶۶: ۴۷). این ارگ که عناصر حکومتی و مذهبی شهر نظیر کاخ والرین و معبد اناهیتا (الهه آب) را در بر می‌گرفته (تصویر ۲)، در واقع مکان برتر و مقدس شهر بوده که سکونت، ورود و اقامت در آن منحصر به شاه و خانواده سلطنتی او بوده و به همین واسطه یعنی دلیلی فراتر از ضرورت رعایت اصول امنیتی و حفاظت در برابر ساکنان شهر یا دشمنان بیرونی از قسمت

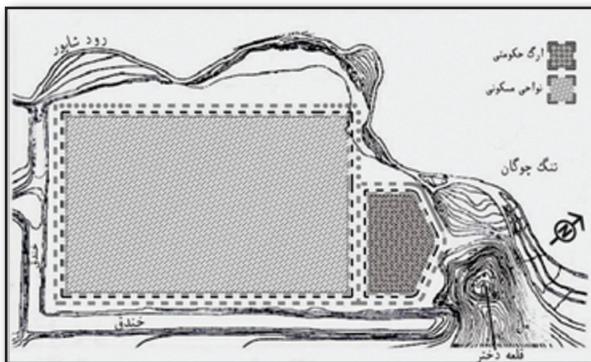
• کلیت سیستم: حصار و باروی شهر

تشخیص و درک محدوده‌ای از فضا، که گروهی از انسان‌های ساکن در شهر خود را متعلق به آن بدانند، شرط مهم تحقق مفهوم کل از شهر است. در این صورت لبه‌ای مکانی تعیین می‌شود که فضای داخل آن معنایی خاص داشته و از محیط پیرامون جدا می‌شود. کاربری‌های خاص، ایمنی و امنیت، مقدس و نامقدس، برتر و فروتر و صفات دیگر می‌توانند محدوده‌هایی ویژه خود بیافرینند که استفاده‌کنندگان از فضا، قلمروهای مرتبط با مفاهیم پیش‌گفته را ادراک کنند. تبلور قلمرو، لبه‌ای است که بخشی از فضا را محدود می‌کند (همان). در تعریف قلمرو یک شهر معمولاً از عناصر طبیعی و کالبدی یا هر دو بهره گرفته می‌شود. در بیشاپور این قلمرو به صورت ترکیبی از عناصر کالبدی (انسان‌ساز) و عناصر طبیعی تعریف شده است. به طوری که ذکر شد رود شاپور در شمال و شمال غربی شهر و کوه شاپور عناصر طبیعی تعریف‌کننده قلمرو شهر هستند. البته کوه شاپور را به عنوان عنصر نشانه‌ای تحدیدکننده قلمرو شهر نیز می‌توان فرض کرد. علاوه بر این دو، عامل اصلی تعریف قلمرو بیشاپور حصار و باروی سنگی بوده است که در کاوش‌های باستان‌شناسی بیش از ۲۷۰ متر از آن در سمت شمال شهر نمایان و مرمت شده است (تصویر ۱).

آن طور که شکل و امتداد آثار باقیمانده از حصار نشان می‌دهد، شکل کلی قلمرو شهر مستطیلی در امتداد شمال شرقی - جنوب غربی است که تنها در حاشیه رودخانه بنا به مقتضیات مسیر جریان آب دارای انحنا است. ادامه این حصار در دامنه کوه قلعه دختر نیز کاملاً نمایان است. این حصار بین محدوده ارگ حکومتی و شهر نیز وجود داشته به گونه‌ای که ارگ را از شهر تقریباً جدا کرده است. این دیوار قطور که بیش از ۹ متر عرض دارد نه تنها در تعریف قلمرو شهر نقش اساسی داشته است، بلکه به صورت سنگری مطمئن در دفاع از شهر مورد استفاده قرار می‌گرفت و بر روی آن نگاهبان‌ها مرتب در حال دیده‌بانی و نگهبانی بوده‌اند (سرافراز، ۱۳۶۶: ۴۴). جنوب غربی، جنوب شرقی و پشت حصار قلمرو شهر به وسیله حفر خندق تقویت شده است. امروزه اثر این خندق به صورت گودی ممتد به موازات حصار، برجای مانده است که ادامه آن در حوزه شرقی به بالای بستر قلعه‌دختر می‌رسد و در حوزه غربی با چرخشی به اندازه یک زاویه قائمه، تمامی حوزه غربی شهر را از جنوب به شمال طی کرده و به رودخانه شاپور می‌رسد. به این ترتیب بستر مستطیل شکل شهر از سه سمت جنوب، غرب و شمال پشت به خندق و رودخانه دارد و بخش شرقی آن را استحکامات قلعه‌دختر پشتیبانی می‌کرده است (نقشه ۱). این محدوده، که با تعیین مرزهای جغرافیایی خود از طریق ارتباط با شکل و عوارض زمینی و ایجاد ساختارهای کالبدی هویتی به نام بیشاپور را در پهنه زمین معرفی می‌کند، "قلمرو" کلیتی به نام شهر و نخستین شاخص این سیستم است.

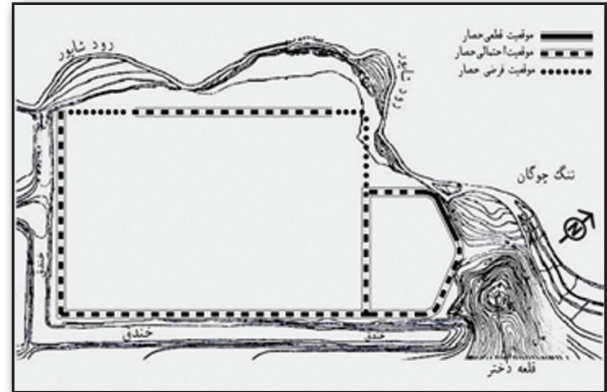


تصویر ۲. موقعیت کاخ شاهی، معبد اناهیتا و حصار ارگ حکومتی. مأخذ: سرفراز، ۱۳۶۶: ۲۵.



نقشه ۲. کل‌های کوچک تعریف شده در سازمان فضایی بیشاپور. مأخذ: نگارندگان.

ایجاد خیابان‌های متقاطع عمودی و افقی، احداث کوچه‌ها و محله‌ها با زوایای قائم، توسعه گردشگاه‌ها و فضای سبز درون شهر و تنظیم فضای داخلی شهر به گونه‌ای انجام گرفته که در قسمت‌های مختلف آن، خانه بزرگان و اشراف در میان باغ و باغچه و در فضای سبز و مشجر قرار گیرند. شبکه‌بندی خیابان‌ها و کوچه‌ها و به دقت محلات را براساس طرح مستطیل شکل شهر و محور آن تقسیم و تنظیم نموده و نقش هر یک را در رفع نیازهای زندگی روزانه مشخص می‌کند این نحوه تقسیم‌بندی موجب تسهیل در اداره شهر می‌شود (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۰). با توجه به نقش مهم دروازه‌ها در شکل‌گیری عناصر ساختاری شهر این توضیح لازم است که دروازه اصلی شهر در ضلع شمال شرقی آن قرار داشته و راه مربوط به آن به وسیله پلی از رودخانه شاپور عبور کرده و به جاده تاریخی شاهی مرتبط می‌شده است. به احتمال زیاد سه دروازه دیگر در سه ضلع دیگر شهر و در امتداد ساختار اصلی شهر وجود داشته است که تعیین دقیق وضعیت آنها، نیازمند انجام کاوش‌های محلی است. این دروازه‌ها تا قرن چهارم هجری همچنان پا برجا بوده است، «مقدسی» در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ذکر می‌کند: "شهر چهار دروازه دارد:



نقشه ۱. عناصر کالبدی و طبیعی تعریف کننده قلمرو شهر ساسانی بیشاپور. مأخذ: نگارندگان.

اصلی شهر جدا شده است (نقشه ۲). "خیابان شمالی - جنوبی شهر که از حاشیه این قصور اختصاصی و کاخ‌های پذیرایی و ایوان‌های مزین به موزائیک می‌گذشته به طور غیر مستقیم راه ارتباطی دژ سلطنتی را با سایر مناطق مسکونی و اداری مربوط می‌سازد. محل سکونت افراد در آن زمان بر حسب ارزش‌ها و طبقات اجتماعی - که بیشتر شامل حال شاه و بستگانش می‌شد - در این شهر انتخاب می‌گردید و جامعه مردم در اطراف پایتخت به صورت پراکنده در خیمه‌ها یا بناهای محقر کاه‌گلی سکونت داشته‌اند تا با حاصل دسترنج خود آرامش و رفاه قصرنشینان را تأمین کنند. به همین جهت شکل و کاربرد فضاهای معماری بیشاپور نشانه‌ای از فضای ثبت شده و حفظ نظام امپراتوری ساسانی است که با کمال دقت و بر طبق نقشه طراحی و تنظیم شده است و روشنگر زمینه فکری آن جامعه است" (همان: ۴۷).

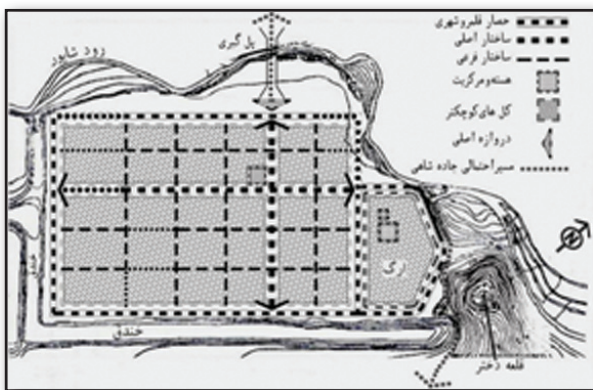
• ساختار شهر: خیابان‌های اصلی و فرعی

ساختار عامل پیوند دهنده کل‌های کوچک (عناصر نیمه‌مستقل) شهر به یکدیگر است و مرکزیت و ورودی‌های اصلی شهر متصل به آن است. ساختار ممکن است دارای اندام‌های اصلی و فرعی باشد که از طریق آنها کلیت سیستم را در پیوند با یکدیگر قرار می‌دهد. عنصر شاخص ساختار در اغلب حالات، معبر است (منصوری، ۱۳۸۲). ساختار اصلی بیشاپور را دو خیابان مستقیم متقاطع تشکیل می‌دهد و سایر عناصر فرعی، ساختار خیابان‌های متقاطع موازی با این دو است که از روی تهرنگ باقی‌مانده آثار تاریخی قابل تشخیص هستند. خیابان اصلی شمالی - جنوبی در امتداد جاده شاهی تعریف شده و دروازه اصلی شهر را به مرکز شهر مرتبط و تا حصار جنوبی ادامه پیدا می‌کند. دیگر عنصر ساختاری شهر، عمود بر این خیابان، ناحیه سکونتی شهر در مرکز آن را به ارگ حکومتی مرتبط می‌کند. نقش این عنصر، ارتباط بین دو کل کوچک (زیر مجموعه شهر) است. عناصر فرعی ساختاری شهر خیابان‌هایی موازی با ساختار اصلی شهر هستند که نظم شطرنجی قسمت‌های مختلف آن را تعریف می‌کند (نقشه ۳). نکته جالب اینجاست که این ساختارهای فرعی شهر نسبت به هیچ کدام از عناصر ساختاری اصلی متقارن نیستند. "در بیشاپور با

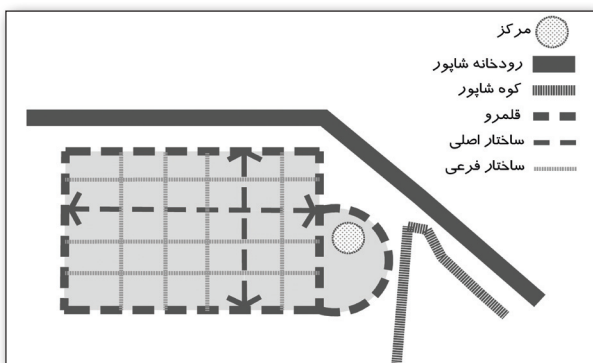
حامل تشخیص‌های مرکزیت‌فعالیتی و اجتماعی شهر نیست (نمودار ۲).



تصویر ۳. بنای یادبود شاپور اول در مرکز شهر. مأخذ: سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۶۲.



نقشه ۳. سازمان فضایی شهر ساسانی بيشاپور. مأخذ: نگارندگان.



نمودار ۲. نمودار شماتیک سازمان فضایی شهر بيشاپور. مأخذ: نگارندگان.

دروازه هرمز، دروازه مهر، دروازه بهرام و دروازه شهر، گردش خندقی است، نهر به دور آن می‌گردد، که با پل‌ها از آن می‌گذرند" (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵).

• مرکز شهر: بنای یادبود شاپور

مرکزیت یا هسته، نقطه آغاز شهر است که شهر، تدریجاً و طی فرآیندهای تعاملی با مؤلفه‌های مختلف در اطراف آن شکل می‌گیرد. نقش هسته شهر طوری است که وابستگی عناصر مختلف شهر به آن به راحتی قابل تشخیص است. هسته، در ابتدا علاوه بر حافظه تاریخی شهر، محل تجمع فعالیت‌های عمومی است. بخشی از این نقش در دوره‌های بعد دگرگون می‌شود (منصوری، ۱۳۸۲).

با توجه به مفهومی که از شهر ایران باستان به عنوان پدیده‌ای مقدس و شاهانه در مقدمه مقاله ذکر شد، کاخ شاهی یا معبد اصلی شهر در سازمان فضایی شهر ساسانی بيشاپور باید نقش مرکز هسته اصلی را به عهده گیرد.

آن طور که در سازمان فضایی شهر بيشاپور دیده می‌شود ارگ حکومتی در پرگیرنده کاخ و معبد اناهیتا در حاشیه شمال شرقی شهر و کاملاً جدا از ناحیه سکونت آن به صورت یک کل مستقل نقش ایفا می‌کند.

برخلاف شهر فیروزآباد که تخت‌نشین و منار در مرکز هندسی شهر واقع شده، در مرکز هندسی و محل تقاطع ساختارهای اصلی بيشاپور تنها عنصر شهری که در کاوش‌ها نمودار شده بنای یادبود شاپور اول (تصویر ۳) است.

"وضع موجود بنا نمایشگر آن است که دارای اهمیت تشریفاتی بوده و به صورت یک بنای یادبود در مرکز شهر نزدیک به ورودی و در حاشیه خیابان شرقی و غربی بيشاپور ساخته و پرداخته شده است. در اینجا بر روی یک صفا سنگی دو ستون به ارتفاع ۹ متر با سرستون‌های گلدانی شکل (نوع کرنتی) نصب شده است.

وضعیت این مکان نشان می‌دهد که جایگاه تشریفات و خوش آمدگویی و ارائه گزارش در بدو ورود به شهر بوده است، نه جایگاه نذورات" (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۶۱). در نتیجه با رعایت تقدم تاریخی، باید ارگ حکومتی را مرکز شهر به حساب آورد که فلسفه احداث بقیه شهر در پای آن بوده و نقش عملکردی در زندگی شهر نداشته است.

مرکزیت در شهر ساسانی بيشاپور، مرکزیت معنایی و نشانه ثقل معنوی عرصه شهر بوده است که با زندگی جاری و اجتماعی آن، حتی با در نظر گرفتن ساختار طبقاتی و کاست‌های جامعه ساسانی نیز تلفیق نشده است. پدید آمدن تالار تشریفات در تقاطع محورهای ساختاری شهر اگرچه با مرکز هندسی و جغرافیایی شهر منطبق می‌شود، مرکز شهر را پدید نمی‌آورد، زیرا از یک سو نسبت به بقیه عناصر شهر متأخر است و از سوی دیگر کارکرد اختصاصی و انحصاری دارد و با زندگی شهری تلفیق نمی‌شود.

لذا مجموعه تالار تشریفات را می‌توان یک کل کوچک به حساب آورد. در نتیجه شهر ساسانی بيشاپور، شهری است که مرکزیت معنایی آن

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن زمینه و شرایط اجتماعی دوره ساسانی و مفهوم ویژه شهر در دوران باستان، سازمان فضایی بیشاپور قابل تفسیر است. در ابتدای دوره ساسانی ساختار خاص سیاسی-اجتماعی مبتنی بر اصالت و تقدس حاکم، در بیشاپور سازمان فضایی دوقطبی پدید آورده که قطب قوی آن ارگ حکومتی و قطب ضعیف آن نواحی سکونت‌ی اشرف و طبقات برگزیده بوده است. این دو قطب، وحدت و کلیت شهر را به وجود می‌آورد که تفوق آن در کالبد شهر نیز نمایان است. بر این اساس می‌توان گفت سازمان فضایی شهر ایرانی در دوره تاریخی مرکب از مناطق جداگانه است که با رعایت اهمیت ساکنان و متولیان آن در شهر دیده می‌شود. منظر شهری برآمده از این سازمان حاکی از مکان‌ت (مرتبه اجتماعی) شهروندان و سلسله مراتب جایگاه آنها در ساختار ذهنی جامعه آن عصر است. سازمان شهر به همرمی می‌ماند که عناصر تشکیل دهنده آن بر حسب مرتبه و مقام به نحوی چیده شده است که شهروندان به سادگی قادر به ادراک ساخت اجتماعی جامعه و جایگاه خود در روح جمعی شهر باشند. جدایی مکان «مقدس» از مکان عادی زندگی شهروندان، شرط اصلی در سازمان فضایی شهر بوده است. این جدایی، مبتنی بر ضرورتی بیش از رعایت اصول امنیتی و حفاظتی در برابر ساکنان شهر یا دشمنان بیرونی بوده است. شاخص‌های سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور را چنین می‌توان شمرد: نقش مرکزیت بر عهده عناصر آیینی از جمله معبد اناهیتا و کاخ (محل اقامت شاه - به عنوان بالاترین مقام مذهبی) است و نه عناصر عمومی و عملکردی و این‌گونه مرکزیت حاکی از اصالت امر سمبولیک در مقابل امر عملکردی است. در مقابل در شهر اسلامی ایران مرکزیت از طریق تجمیع عناصر عمومی و عملکردی شهر در نقطه شروع تاریخی آنها بدست می‌آید. در شهر ساسانی ساختار، حیات اجتماعی و مدنی ندارد و تنها نقش ارتباط میان عناصر شهر را ایفا می‌کند. به این ترتیب اهمیت ساختار در شهر ساسانی به ایجاد رابطه دسترسی محدود می‌شود و ارتباطات اجتماعی را در بر نمی‌گیرد. ساختار در اینجا وظیفه کارکردی (اتصال) عناصر سازمان فضایی را دارد. در شهر اسلامی، بازار به‌عنوان ساختار علاوه بر کارکرد ارتباطی، حامل جریان زندگی اجتماعی-اقتصادی شهروندان و عامل مکان‌گزینی کل‌های کوچک است؛ در شهر ساسانی ساختار از میان کل‌های کوچک، می‌گذرد که مستقلاً تعریف شده و پدید می‌آید. به تبع دو قطب مجزا، که شهر موظف به تفکیک عرصه‌های فضایی آنهاست، دو کل کوچک و مستقل در شهر به‌دست می‌آید. در گام بعد هر یک از این کل‌های کوچک سازمان درونی خود را پیدا می‌کند. کل‌های کوچک شهر ساسانی بیشاپور، کارکردی آیینی داشته و شامل بخش‌هایی برای عبادت یا امور اداری و اقتصادی زندگی طبقات برگزیده و میانی بوده است. در بیشاپور ساسانی، مجموعه‌های قدسی و آیینی (دینی-حکومتی) به‌عنوان عناصر شاخص سازمان فضایی مؤید اصالت جامعه و عملکردهای عمومی وابسته به زندگی اجتماعی مثل، محله و میدان نیست.

فهرست منابع

- براتی، ناصر. ۱۳۸۲. نگاهی نو به مفهوم شهر از نظرگاه زبان و ادب پارسی. *مجله هنرهای زیبا*، (۱۳): ۱۵-۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۴. تأملی بر مفهوم شهر در ایران، *مجله اندیشه ایران‌شهر*، ۲ (۶): ۱۰۴-۹۴.
- ربوبی، مصطفی و رحیمیه، فرنگیس. ۱۳۵۳. *شناخت شهر و مسکن بومی در ایران، اقلیم گرم و نیمه مرطوب دزفول و شوشتر*. تهران: انجمن دانشجویان دانشگاه تهران.
- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن. ۱۳۸۱. *ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی*. تهران: انتشارات عفاف.
- سرفراز، علی اکبر. ۱۳۶۶. *بیشاپور. شهرهای ایران*. به کوشش یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کریمیان، حسن و سیدین، ساسان. ۱۳۸۹. *دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی براساس مستندات باستان‌شناختی*، *مجله باغ نظر* ۷ (۱۳): ۸۸-۷۳.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد. ۱۳۶۱. *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*. جلد دوم. ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان مترجمان.
- منصوری، سید امیر و دیگران. ۱۳۸۲. *طرح پژوهشی سازمان فضایی شهر، در دست‌انتشار*. کارفرما: مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی، تهران.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۸۶. *دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام*، *مجله باغ نظر* ۴ (۷): ۶۰-۴۹.
- هوف، دیتریش. ۱۳۶۹. *شهرهای ساسانی*. ترجمه: محمدرحیم صراف. نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.